

نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم، از افسانه حاجی علیمحمدی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی (با همکاری شهرداری تهران)، ۱۳۷۲، ۱۴۲ صفحه، مصور.

فرهنگ معماری سنتی ایران، و مجموعه هنرها و مفاهیم و اصطلاحات و رسوم مربوط به آن از خط مکتب و مدرسه دور بوده و آموزش و فراگیری آن صورت شفاهی داشته و از راه تعلیم حضوری و سینه‌به‌سینه انتقال و اشاعه یافته است. حافظان و ناقلان این میراث غالباً گروهی معمار و استادکار هنرمند کم‌سواد یا بی‌سواد بوده‌اند. کسانی که با بهره‌گیری از استعداد و قریحه هنری و ایمان دینی و عرفانی خود درخشانترین آثار معماری را پدید آورده‌اند. دست‌آفریده‌های اینان را در انواع آثار معماری شهرها و روستاهای ایران می‌توان مشاهده کرد و اطلاعات اندک و ناچیزی از روش کار و شیوه‌های هنری آنان را در متون تاریخی می‌توان باز یافت.

اکنون با تحوّل شگرفی که در طرز معیشت و شؤون اجتماعی و به تبع آن در معماری پدید آمده بسیاری از شیوه‌ها و فنون معماری سنتی که در جایی ثبت و ضبط نشده بوده به دست فراموشی سپرده شده و بدین سان میراث پرارزشی از دست ما رفته است.

آنچه امروز از پیشروان معماری و هنرهای وابسته به آن برای ما بازمانده در سینه و یاد شماری اندک از فرزندان و شاگردان آنان نهفته است. از این رو پژوهش در فن و شیوه معماری سنتی ایران و احیای فرهنگ آن، از واژگان و اصطلاحات فنی و هنری، به مدد بازماندگان این فرهنگ، ضروری است.

در جهت این اندیشه و احساس و برای اجابت این خواست فرهنگی مدتهاست که دفتر پژوهشهای فرهنگی، با همت سختکوشانه مدیر آن، محمدحسن خوشنویس، به کار پژوهشی پرداخته است و تا کنون آثاری چند در زمینه‌های متعدد مسائل اجتماعی، فرهنگی و هنری منتشر کرده است.

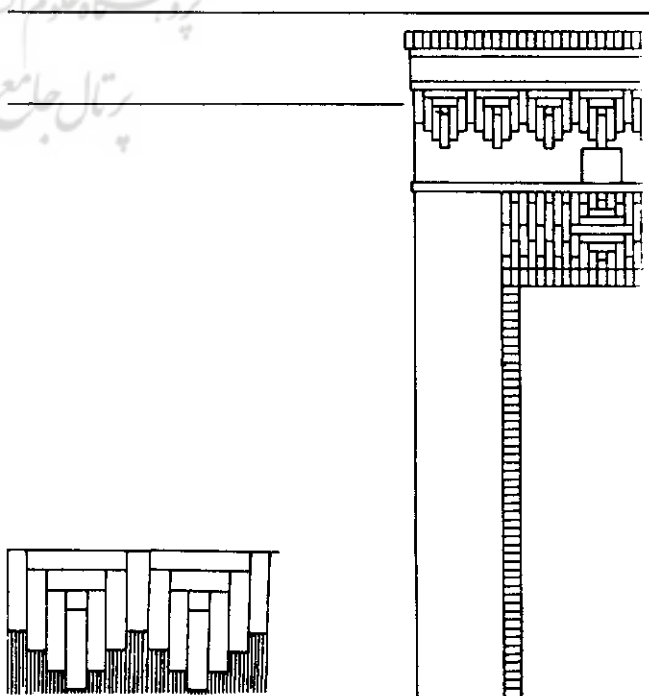
نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم سومین کتاب از مجموعه «فرهنگ معماری»<sup>۱</sup> است که به همت این دفتر با همکاری شهرداری تهران اخیراً منتشر شده است. این اثر را

#### حاشیه:

(۱) دو اثر، یکی فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران: معابر و بازارها، میدانها، دروازه‌ها، فضاهای ورودی و فضاهای مجاور پلها، نوشته حسین سلطان‌زاده (۱۳۷۰) و دیگری مجموعه عکس از «فضاهای ورودی و سردرهای خانه‌های تهران قدیم»، عکسبرداران: غلامحسین صیرفی و محمدحسین حسن، طبقه‌بندی عکسها و نوشته متن از حسین سلطان‌زاده (آماده تزیین)، شماره‌های ۱ و ۲ از مجموعه «فرهنگ و معماری» است.

## نقش و نگارهای سردر خانه‌های قدیم تهران

علی بلوکباشی

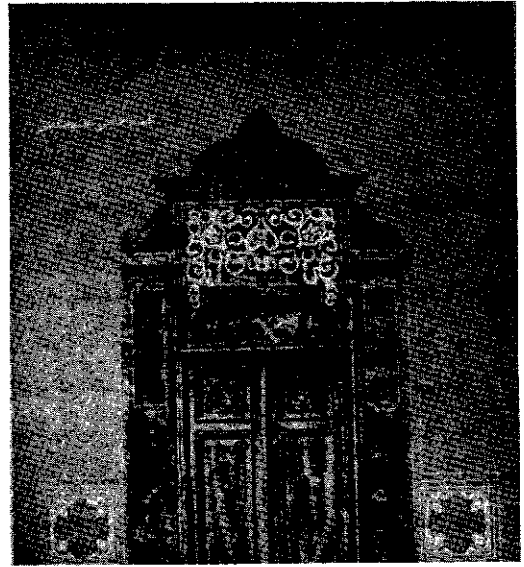


مهندس سلطان زاده در مقدمه خود هنر تزیینی در معماری دوره اسلامی را متأثر از «جهان بینی و احکام اسلامی» و حرمت «به کار گرفتن تصویر و پیکره انسان در هنرهایی چون نقاشی و مجسمه سازی» و در نتیجه گرایش به استفاده از «نقوش تجریدی و هندسی» دانسته و نوشته است که بدین سان نقش پردازی به شیوه تجریدی و هندسی در هنرهای کاربردی و غیر کاربردی، مانند سفالگری، فلزکاری، قالی بافی، پارچه بافی، نقاشی و منبت کاری راه یافت و در هنرهای وابسته به معماری، مانند آجرکاری، کاشیکاری، گچبری و حجّازی، نیز رایج شد.

در این باب باید یادآور شد که شیوه نگارینه کردن دست آفریده‌ها به صورت تجریدی و هندسی از دیرباز در میان اقوام ایرانی و جامعه‌های ایلیاتی کوچ‌رو و روستایی رایج بوده است. جماعاتی که، به سبب نوع معیشتشان، پیوند مستقیم با طبیعت و آفریده‌های طبیعی داشتند. هنرمندان این جوامع ایلی و روستایی، فارغ از احکام دینی، با الهام از طبیعت محیط زیست و ذوق و تخیل بدوی خود دستبافتها و دستساختهای خود را، از قالی و قالیچه و گلیم و زیلو گرفته تا گبه و خورجین و مفرش و زیراندازهای حصیری و نم‌دی و کاسه و کوزه‌های سفالی، با نقش و نگارهایی انتزاعی تزیین می‌کردند. معماران و هنرکاران معماری ما نیز این شیوه نقش پردازی و نگاره سازی را در خلق آثار هنر معماری به کار گرفتند. به همین سبب است که آشکارا می‌توان عناصر برخی از نقوش یا حتی ترکیب چند نقش را در دستاوردهای گوناگون چند نوع هنر مشاهده کرد.

در این مقدمه روحیه محافظه کارانه و سنت‌گرای هنرمندان ایرانی موجب کاربرد متمادی يك نقش یا يك طرح با اندکی تغییر در آثار هنری گوناگون دانسته شده است. این را باید افزود که حرمت گذاری به رسم و راههای سنتی گذشتگان و حفظ میراث فرهنگی و هنری نیاکان از این طریق، ویژگی جامعه‌های ابتدایی و سنتی از جمله جامعه سنتی ماست. لیکن این پای بندی به سنت، هنرمندان ما را از آفرینش مایه‌های نو و بدیع در آثار هنری باز نداشته است.

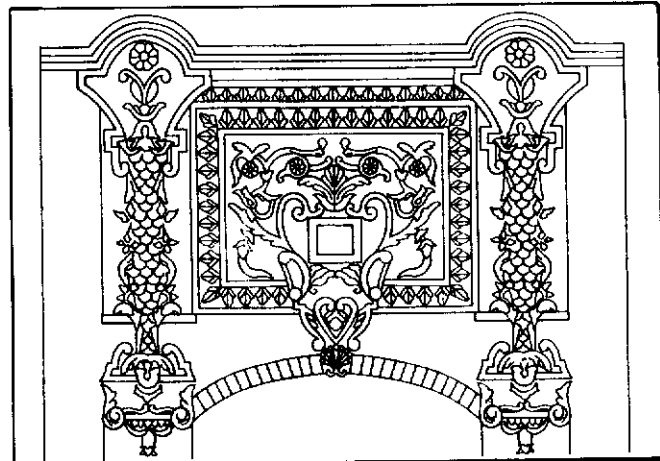
نکته دیگر این که در این مقدمه تغییر در شیوه نقش اندازی، از جمله در هنر تزیینی وابسته به معماری، در مواردی خاص به «يك دوره تحول اساسی و مهم از نظر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی» مربوط به شمار آمده و از عوامل اثر گذار در بعضی از سنتهای هنری شناخته شده است. همچنین دوره قاجار دوره دگرگونی در برخی از شیوه‌های معماری و هنرهای تزیینی و عصر تقلید از معماری روسی و اروپایی معرفی و طراحی فضای ورودی و نقوش سردرخانه‌ها و دیگر بناها از زمینه‌های متأثر از معماری و هنر خارجی معرفی شده است. انتظار می‌رفت که نمونه‌های عناصر



خانم افسانه حاجی علی محمدی، دانشجوی رشته گرافیک دانشکده هنرهای زیبا فراهم آورده و آن بخشی از پایان نامه و کار عملی او زیر نظر استاد راهنمایش مرتضی ممیز است. موضوع اثر نقشهای تزیینی سردر بعضی از خانه‌های قدیم تهران است که هنوز ضربه ویرانگر بیل و کلنگ «بسا بفروشها» بر قامت آنها فرود نیامده است.

کتاب شامل دو مقدمه و سه بخش است. بخش سوم آن، که مبنای کار قرار گرفته، حاوی ۶۶ عکس از سردرخانه‌های قدیم در محله‌های مختلف تهران مانند پانار، محله محمدیه، مولوی، امامزاده یحیی، سرچشمه، ری، بلورسازی، شاهپور، بازارچه قنات آباد، بازارچه نواب، و کوچه وزیر نظام است. در این عکسها نمونه‌های گویایی از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین نقشهای سردری دیده می‌شود. نقش و نگارهای هر يك از این سردرها ساده سازی و طراحی شده و در بخش دوم کتاب جای گرفته است. بخش نخست نیز به فهرست نامها و اصطلاحهای نقشها و شرح کوتاهی درباره هر نقش اختصاص یافته است.

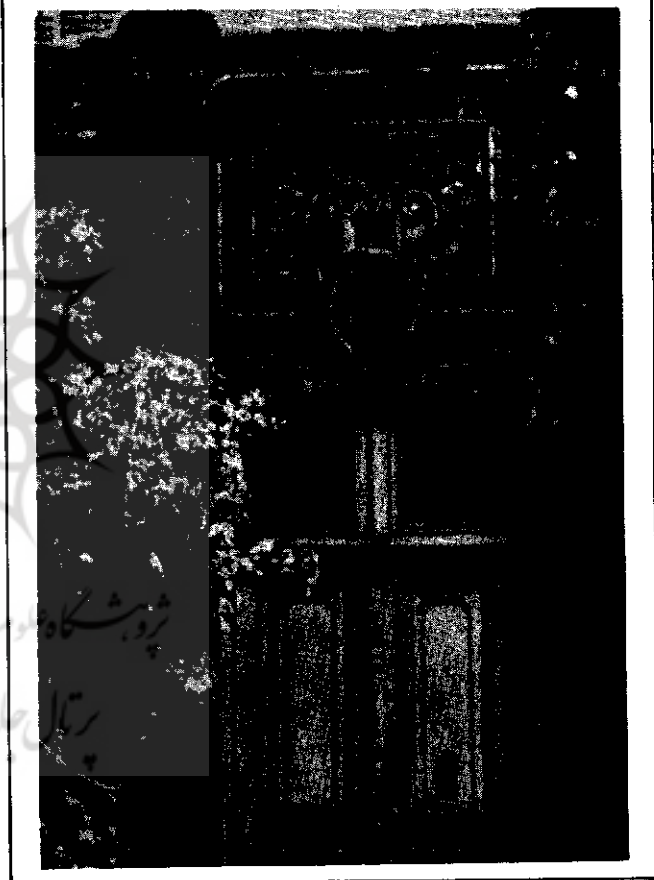
مقدمه‌های کتاب بسیار کوتاه و هر يك در دو صفحه است. مقدمه نخست را مهندس سلطان زاده، پژوهشگر خبیر در معماری و شهرسازی ایران (و مؤلف نشریه شماره ۱ از همین مجموعه «فرهنگ و معماری»، با عنوان فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران...) نوشته است. مقدمه دوم از پدید آورنده کتاب و در شرح ارزش نقشها و نگاره‌های سردرها از دیدگاه زیباشناسی در معماری گذشته ایران است و در آن به اهمیت بررسی نقشها برای هنر تزیینی معماری در حال و آینده و خصلت ارتباطی این نقوش با مردم جامعه اشاره رفته است.



آجرکاری و گچبری تزیینی به شکل رشته و زنجیره و آراسته به گل و گیاه است، تقلید از سبک اروپایی و احتمالاً برگرفته از معماری انگلوساکسنها دانسته شده است.

در بخش نخست کتاب، یعنی در «فهرست الفبایی اصطلاحات نقوش»، نام ۹۶ نقش و نگار، از آجرکاریها و گچبریهای کله‌درها و سرستونهای دو سوی درگاهها و کناره‌های سردر و دورقاب در خانه‌ها، آمده است. در فراهم آوردن این نقشنامه و یافتن نام شکلها و نقشها و شرح و توضیح هر نقش و شکل، از اطلاعات و راهنماییهای استاد شعرباف و مهندس ماهرالنقش و داده‌های کتاب هنر گره‌سازی در معماری و درودگری، نوشته مهندس فرشته نژاد، استفاده شده است.

نقش پردازان ایرانی در ساخت و پرداخت نقشها و نگاره‌های تزیینی بناها از ترکیب آجرهای تراشیده و نقشدار<sup>۲</sup>، که در اصطلاح فرهنگ معماری حوزه جغرافیایی خوزستان به خصوص شوشتر و دزفول به آن «خوون چینی» (Xowun Çini) می‌گفته‌اند<sup>۳</sup>، ظاهراً بیشتر از شکل‌های موجود در طبیعت و محیط زیست فرهنگی و اعتقادات و آرمانهای دینی حاکم بر جامعه الهام گرفته شده است. برخی از نقشهای سردرها صورتی طبیعی دارند و جلوه‌گاه زیباییهای طبیعت و شکلها و حجمها و رنگها و آفریده‌های موجود در آنند. در پدیدآوردن این نقشها،



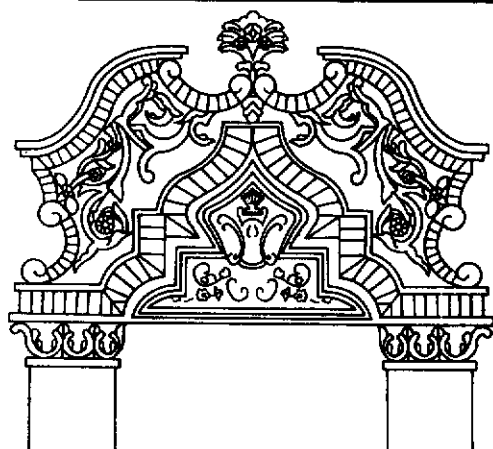
سردرخانه‌ای در خیابان صفی‌علیشاه

#### حاشیه:

۲) تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، دکتر ایرج افشار نخستین بار، با توجه به ارزش هنر تزیینی در معماری ایران و کاربرد آجرهای نقشدار در بناها، عکسهایی از نقش و نگاره‌های آجرچینیهای بناها در یزد با یادداشتی کوتاه درباره این نقش پردازها چاپ کرده‌اند. آقای افشار در این یادداشت کاربرد آجرهای نقشدار را در «بالای سردرخانه‌ها»، «دور سردر به صورت حاشیه»، «لب و کنگره بامها» و «سقف ایوان» خانه‌ها در یزد شناسانده‌اند. نک. «آجرهای نقشدار یزد»، ایرج افشار، هنر و مردم، ش ۸، خرداد ۱۳۴۸، ص ۹-۱۱.

۳) شادروان محمدعلی امام شوشتری در مقاله‌ای دو اصطلاح «فریز» و «خوون» را در هنر معماری قدیم ایران توضیح داده و رواج این دو واژه را در زبان امروز شوشتریها یادآوری کرده است. نک. «فریز و خوون در ساختمان»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۱، زمستان ۱۳۴۷، ص ۴۰-۴۲.

بیگانه، به خصوص نمونه‌هایی از معماری روسی، در این مجموعه به عنوان شاهد مدعا ارائه گردد. البته کشف مایه‌های بیگانه در نقش و نگارهای این مجموعه کاری است پر زحمت و وقتگیر. آنچه می‌توان در این گفتار به عنوان نمونه نام برد شکلها و نقشهایی چون «سینه سنتوری» یا «کله سنتوری» و «ریسه» یا «ریسه‌گل» است. «سینه سنتوری» (tympanum)، که از اجزای سردر یا بالادرگاه است، برگرفته از شیوه معماری یونان باستان است. «ریسه» (انگلیسی: festoon؛ ایتالیایی: festone)، که نوعی



در مجموعه این نقوشها صورتهایی نمادین هست که هر يك مظهری از باور یا آرمان جمعی عامه است. این گونه نقش و نگارها را می‌توان به اصطلاح امروزه انگاره‌هایی «نمادگرا» یا «آرمانگرا» خواند. در این شیوه از کارهای هنری چون آرمانهای فرهنگی و باورهای آیینی-دینی مردم به زبان رمز و راز بیان می‌شود، درک و دریافت معنا و مفهوم آنها تنها با شناخت فرهنگ و آداب و باورهای الهام‌بخش مردم میسر است. مثلاً در باورهای گروهی از مردم ایران گیاه پیچک جنبه مقدس داشته و از «نقرات» یا رماننده‌ها بشمار می‌رفته و برای آن خاصیت شرزدایی قایل بوده‌اند. از این رو گیاه پیچک را در پارچه‌ای می‌بستند و همراه کودکان یا زنان زائومی کردند تا آنان را از چشم زخم حاسدان دور بدارند. نقشی از گیاه پیچک را بر سردرخانه‌ها می‌انداختند تا احتمالاً به تصور خود اهل خانه را از چشم بد «کبود چشمان» تنگ نظر مصون دارند. به طور کلی، در هر دو شیوه «واقعگرایانه» و «آرمانگرایانه» با فنون هنرمندانه معماران در حفظ اصول و قواعد زیباشناختی هنر ایرانی روبرو هستیم.

در پایان، به نکاتی اشاره خواهم کرد که می‌توان آنها را کم‌وبیش از لغزشها و نقضهای این اثر دانست:

۱) عنوان کتاب «نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم» اختیار شده و حال آنکه موضوع آن نقوش سردر خانه‌های قدیم تهران است نه خانه‌های تهران قدیم.

۲) در بخش فهرست نقوش، بعضی از اجزا یا ارکان سردرها که به شکلهای گوناگون است و روی آنها نقش و نگارهایی با آجر یا گچ انداخته‌اند، در زمره نقوش به شمار آمده است و از این جمله است «کتیبه»، «کله‌در»، «کله‌ستوری» و «سرتاج». اینها همه بخشهایی از سردر به شکلهای گوناگون‌اند که نقوش مختلفی از آجر و گچ بر آنها نشان داده شده‌اند. درست این بود که این گونه اصطلاحها جداگانه فهرست می‌شدند.

۳) به «کلوک»، که اصطلاحی است برای يك چهارم آجر و «صلیب» در فرهنگ معماری ایران، به ترتیب، «چارك» و «چلیبیا» نیز می‌گویند. ضمناً «کلوک» هم به مسامحه در زمره نقوش فهرست شده است.

۴) از مجموع ۶۶ عکس سردرها ۳۱ عکس نشانی ندارند.



سردرخانه‌ای در خیابان فرانسه

هنرمند معمار به شیوه‌ای، به اصطلاح امروزی «طبیعت‌گرا» یا «واقعگرا»، کار کرده و نقوشها را از روی طبیعت تقلید و بازسازی کرده است که از این جمله‌اند نقوشهای «حصیری»، «فلسی»، «کله‌شیر» یا شکلهای هندسی مربع و مستطیل و لوزی. گاهی نیز هنرمند از تقلید و نسخه‌برداری از طبیعت دوری جسته و هنرمندانه در شکلهای طبیعی و واقعی تصرف کرده و صورتهایی انتزاعی پدید آورده است. از این قبیل است نقوشهای «پابزی»، «خورشید کله‌در»، «دم کلاغی» و «گوش‌گرگی».